



جایگاه بیمه‌ی مسئولیت بهره‌بردار تأسیسات هسته‌ای در کنوانسیون‌های بین‌المللی راجع به مسئولیت مدنی هسته‌ای و نظام حقوقی ایران

صالح رضایی پیش‌رباط*

پژوهشگاه علوم و فنون هسته‌ای، سازمان انرژی اتمی ایران، صندوق پستی: ۱۳۳۹-۱۴۱۵۵، تهران - ایران

چکیده: براساس کنوانسیون‌های بین‌المللی راجع به مسئولیت مدنی هسته‌ای، بهره‌بردار یا گرداننده‌ی تأسیسات هسته‌ای ملزم شده است که مسئولیت مدنی خود ناشی از خسارت‌های وارد شده به اشخاص زیان‌دیده را بیمه کند یا تأمین مالی برای آن فراهم آورد. الزام بهره‌بردار تأسیسات هسته‌ای به بیمه یا تأمین مالی کردن مسئولیت خود از قواعد تحفظ و تخطی‌ناپذیر کنوانسیون‌های فوق‌الذکر است. به این مفهوم، دولت‌هایی که قصد ورود به این کنوانسیون‌ها را دارند نمی‌توانند با اعمال حق شرط شمول مقررات مربوط به الزام بهره‌بردار به بیمه‌ی مسئولیت را نسبت به خود مستثنا، و قوانین یا مقررات ملی مغایر با چنین الزامی را تصویب و اجرایی کنند. این در شرایطی است که در نظام حقوقی کنونی ایران، قانون یا مقررات خاصی که بهره‌بردار تأسیسات هسته‌ای را به بیمه یا تأمین مالی مسئولیت خود ملزم کند، تصویب نشده است. در صورت الحاق کشور به کنوانسیون‌های مذکور، دولت متعهد به الزام بهره‌بردار تأسیسات هسته‌ای به فراهم آوردن بیمه یا سایر تأمین‌های مالی برای پوشش مسئولیت خود خواهد شد.

کلیدواژه‌ها: بهره‌بردار تأسیسات هسته‌ای، بیمه‌ی مسئولیت مدنی هسته‌ای، کنوانسیون پاریس راجع به مسئولیت شخص ثالث در زمینه‌ی انرژی هسته‌ای، کنوانسیون وین راجع به مسئولیت مدنی در قبال خسارت هسته‌ای

Status of Insurance of Liability of Operator of Nuclear Installation in International Conventions on Nuclear Civil Liability and legal Order of Iran

S. R. Pishrobat*

Nuclear Science and Technology Research Institute, AEOL, P.O.Box: 14155-1339, Tehran-Iran

Abstract: According to International Conventions on Civil Liability for Nuclear Damage, The Operator of Nuclear Installation is Obligated to provide Insurance or Other financial Gaurantees for its liability. Making Oblige the Operator of Nuclear Installations is one of the Non derogable and Non Reservable Rules of the Said Conventions. The States Intends to Accede to these Conventions may not Make any Reservation With Respect to those Provisions of the Conventions Relate to Obligation of Operator to provide Insurance for Its liability or adopt National laws or regulations contrary to this obligation. This is while that in Legal Order of Iran There exist no special law or Regulations Concerns to Oblige the Operator of Nuclear Installation to provide Insurance for Its liability. If Iran is Decided to Accede to these conventions It Shall oblige the Operator of Nuclear Installations to provide insurance for its liability.

Keywords: Operator of Nuclear Installations, Insurance of Nuclear Civil Liability, Paris Convention on Third Party Liability in the Field of Nuclear Energy, Vienna Conventions on Civil Liability for Nuclear Damage



۱. مقدمه

در قوانین ملی کشورها در زمینه‌ی بیمه مسئولیت بهره‌برداران تأسیسات هسته‌ای، لزوم توجه به چنین بیمه‌ای را در سطح بین‌المللی و در قالب اسناد الزام‌آور بین‌المللی مطرح ساخت. لزوم بیمه‌ی هسته‌ای اجباری مسئولیت بهره‌بردار هسته‌ای در سطح بین‌المللی، نخستین بار در کنوانسیون ۱۹۶۰ پاریس راجع به مسئولیت شخص ثالث در زمینه‌ی انرژی هسته‌ای مقرر شد^(۵)، که به همت سازمان توسعه و همکاری اقتصادی^(۶) منعقد شده بود. این کنوانسیون در سال‌های ۱۹۸۲ و ۲۰۰۴ اصلاح، و به وسیله‌ی کنوانسیون ۱۹۶۳ بروکسل^(۷) و اصلاحات ۱۹۸۲ و ۲۰۰۴ آن، تکمیل شده است و قلمرو جغرافیایی آن محدود به سرزمین کشورهای عضو سازمان مذکور است. کنوانسیون ۱۹۶۲ بروکسل راجع به مسئولیت بهره‌برداران کشتی‌های هسته‌ای^(۸)، کنوانسیون وین ۱۹۶۳ راجع به مسئولیت مدنی در قبال خسارات هسته‌ای^(۹) و اصلاحات ۱۹۹۷ و کنوانسیون جبران تکمیلی خسارات هسته‌ای، ۱۹۹۷^(۱۰)، اسناد الزام‌آور بین‌المللی بعدی بودند که لزوم بیمه‌ی مسئولیت بهره‌برداران تأسیسات هسته‌ای را تأیید و پیش‌بینی کرده‌اند [۴].

اما این که بیمه‌ی مسئولیت بهره‌بردار تأسیسات هسته‌ای در کنوانسیون‌های مذکور از چه جایگاه و ماهیتی برخوردار است و در این زمینه نظام حقوقی ایران با مقررات کنوانسیون تا چه میزان هم‌سویی دارد، سؤالی است که مقاله‌ی حاضر به بررسی و ارزیابی پاسخ آن پرداخته است.

۲. مسئولیت مدنی بهره‌بردار تأسیسات هسته‌ای

جایگاه و ماهیت بیمه‌ی مسئولیت بهره‌بردار تأسیسات هسته‌ای در کنوانسیون‌های مذکور آن‌گاه بهتر و دقیق‌تر قابل فهم می‌شود که جایگاه و ماهیت مسئولیت بهره‌بردار مشخص شود. بنابراین، این نوشتار سعی دارد قبل از ورود به مباحث بیمه و تبیین و تحلیل آن نظام حقوقی، مسئولیت بهره‌بردار، تأسیسات هسته‌ای را به اختصار بررسی و ارزیابی کند. بر اساس کنوانسیون‌های مذکور، مبنای مسئولیت بهره‌بردار، مسئولیت بدون تقصیر^(۱۱) است. به این مفهوم که ارتکاب تقصیر از جانب بهره‌بردار تأسیسات هسته‌ای و اثبات آن، از شرایط تحقق مسئولیت او محسوب نمی‌شود و صرف اثبات رابطه، نسبت بین خسارت وارد شده و حادثه‌ی هسته‌ای در تأسیسات، بهره‌بردار برای تحقق مسئولیت او کفایت می‌کند [۵].

قدمت بیمه‌ی مسئولیت بهره‌برداران تأسیسات هسته‌ای^(۱) به بیش از چند دهه باز نمی‌گردد. ضرورت و لزوم این بیمه در پی توسعه‌ی فعالیت‌ها و صنعت هسته‌ای صلح‌آمیز در برخی از کشورها احساس و مطرح شده و در قوانین ملی و اسناد بین‌المللی الزام‌آور پیش‌بینی شد. ایالات متحده‌ی آمریکا نخستین کشوری بود که در اواسط دهه‌ی ۱۹۵۰ بیمه‌ی اجباری مسئولیت بهره‌برداران تأسیسات هسته‌ای را در قانون ملی خود تصویب کرد [۱]. پیش از آن، در قوانین و مقررات کشورها الزامی برای بهره‌برداران فعالیت‌ها و یا تأسیسات هسته‌ای مبنی بر بیمه‌ی مسئولیت خود در قبال خسارات ناشی از فعالیت‌ها و تأسیسات تحت کنترل وجود نداشت. حتی این قوانین پا را فراتر از این گذاشته بود، و ضمن مقررات خود، بیمه‌گران را از پرداخت بیمه به خسارات ناشی از فعل و انفعالات هسته‌ای و پرتوی معاف کرده بودند. در عمل، شرکت‌ها و مؤسسات بیمه‌ای نیز، به دلیل خسارات احتمالی بسیار گسترده و نامشخص ناشی از فعالیت‌های هسته‌ای، تمایل چندانی به بیمه کردن خسارات ناشی از این فعالیت‌ها نداشتند و در قراردادهای بیمه‌ای خود شرطی را تحت عنوان «استثناء هسته‌ای»^(۲) می‌گنجاندند [۲]. اما در ۱۹۵۷ قانون پرایس - آندرسون^(۳) آمریکا با هدف جبران مطمئن و سریع زیان دیدگان ناشی از حوادث در تأسیسات هسته‌ای به خلأهای قانونی در زمینه‌ی بیمه‌ی خسارات هسته‌ای پایان داد و به عنوان نخستین قانون در جهان، بیمه‌ی اجباری مسئولیت بهره‌برداران تأسیسات هسته‌ای را پیش‌بینی کرد [۳]. با تصویب این قانون و اجباری شدن بیمه‌ی مسئولیت بهره‌برداران تأسیسات هسته‌ای، شرکت‌ها و مؤسسات بیمه در رویه‌ی خود تجدیدنظر، و خدمات بیمه‌ای در این زمینه را نیز ارائه کردند. گستره‌ی وسیع و سنگین تعهدات مالی در قبال خسارات هسته‌ای و عدم کفایت سرمایه‌های شرکت‌ها و مؤسسات بیمه‌ای، برای بیمه‌ی چنین مسئولیتی، آن‌ها را بر آن داشت تا اتحادیه‌ها یا استخرهای بیمه‌ی هسته‌ای^(۴) را با مشارکت یکدیگر ایجاد کنند. پس از آمریکا، سایر کشورهای هسته‌ای نیز بیمه‌ی مسئولیت بهره‌برداران تأسیسات هسته‌ای را در قوانین ملی خود پیش‌بینی کردند. توسعه‌ی فناوری هسته‌ای به سایر نقاط جهان و دستیابی کشورهای بیشتر به این فناوری و ضرورت هماهنگی و هم‌شکلی



حداقل را تا ۱۵۰ میلیون حق برداشت مخصوص کاهش دهد مشروط بر این‌که مابه تفاوت آن را (یعنی ۱۵۰ میلیون حق برداشت مخصوص را از طریق ایجاد صندوق عمومی (دولتی) تأمین نماید. همین‌طور به دولت محل تأسیسات اجازه داده شد که با در نظر گرفتن نوع و ماهیت تأسیسات هسته‌ای و مواد هسته‌ای میزان مسئولیت بهره‌بردار را کمتر از ۳۰۰ میلیون حق برداشت مخصوص تعیین کند، مشروط بر این‌که این کاهش مسئولیت از ۵ میلیون حق برداشت مخصوص برای هر حادثه‌ی هسته‌ای کمتر تعیین نشود [۱۱]. با وجود این‌که هر دو کنوانسیون پاریس و وین تعیین مسئولیت بهره‌بردار به صورت نامحدود را اجازه داده‌اند، اما در عمل بیشتر دولت‌های عضو از نامحدود تعیین کردن مسئولیت بهره‌بردار امتناع ورزیده‌اند و سقفی برای آن مشخص نکردند. تعدادی از کشورها از قبیل اتریش، آلمان، ژاپن و سوئیس مسئولیت بهره‌بردار را نامحدود تعیین کرده‌اند [۱۲]. هر چند که محدود شدن مسئولیت بهره‌بردار در جبران خسارات هسته‌ای، با اصول کلی حقوقی و عدالت سازگاری ندارد، اما با منطبق حمایت از فعالان و عاملان صنعت هسته‌ای نو شکوفا مطابقت دارد. نامحدود تعیین شدن مسئولیت بهره‌بردار تأسیسات هسته‌ای، خطر عدم تمایل بخش خصوصی به سرمایه‌گذاری در زمینه صنعت هسته‌ای را در پی دارد. گسترده‌ی خسارات هسته‌ای بسیار وسیع است و اشخاص فعال در بخش هسته‌ای از چنان توانی برخوردار نیستند که بتوانند تمامی این خسارات را در صورت ورود جبران کنند. بنابراین ضرورت حمایت از صنعت هسته‌ای نوپا و تشویق اشخاص به سرمایه‌گذاری در این زمینه ایجاب کرد که محدود کردن مسئولیت بهره‌بردار تأسیسات هسته‌ای در کنوانسیون‌های مذکور تأکید و پیش‌بینی شود.

مسئولیت بهره‌بردار تأسیسات هسته‌ای به لحاظ زمانی نیز نامحدود نیست و در صورتی که زیان‌دیدگان در مدت مشخصی از زمان وقوع حادثه‌ی هسته‌ای علیه بهره‌بردار طرح دعوی نکنند، حق جبران خسارت آنها ساقط خواهد شد. کنوانسیون‌های پاریس و وین، اشعار داشته‌اند که چنانچه دعوی خسارت ظرف ۱۰ سال از زمان وقوع حادثه‌ی هسته‌ای اقامه نشود، حق جبران خسارت اشخاص زیان‌دیده ساقط خواهد شد [۱۳]. پروتکل‌های اصلاحی این دو کنوانسیون، این مدت را در مورد خسارت فوت

هدف مسئولیت بدون تقصیر تسهیل و تسریع جبران خسارات وارد شده است و بار اثبات تقصیر بهره‌بردار را از دوش زیان‌دیدگان برمی‌دارد.

مسئولیت بدون تقصیر به مفهوم مسئولیت مطلق بهره‌بردار در تمام وضعیت‌ها نیست و کنوانسیون‌های مذکور در مواردی او را از مسئولیت در قبال خسارات وارد شده معاف کرده‌اند. در مواردی که حادثه‌ی هسته‌ای در تأسیسات هسته‌ای و ورود خسارت به طور مستقیم از عمل درگیری مسلحانه^(۱۲)، تخاصمات^(۱۳)، جنگ داخلی^(۱۴) یا شورش^(۱۵) ناشی شود، بهره‌بردار مسئولیتی نخواهد داشت. همین‌طور، در مواردی که حادثه و خسارت هسته‌ای به طور مستقیم از بلایای طبیعی بزرگ با ماهیت استثنائی ناشی می‌شود، و قانون دولت محل تأسیسات، خلاف آن را پیش‌بینی نکرده باشد، بهره‌بردار در قبال خسارات وارد شده مسئولیتی نخواهد داشت [۶]. نهایتاً چنانچه بهره‌بردار ثابت کند که خسارت به طور کلی یا جزئی از تقصیر سنگین شخص زیان‌دیده یا از فعل یا ترک فعل چنین شخصی به قصد ایراد زیان ناشی شده است، دادگاه صالح می‌تواند او را به طور کلی یا جزئی از تعهد به پرداخت غرامت به چنین شخص زیان‌دیده‌ای معاف کند [۷].

کنوانسیون ۱۹۶۰ پاریس میزان مسئولیت بهره‌بردار تأسیسات هسته‌ای برای هر حادثه‌ی هسته‌ای حداکثر ۱۵ میلیون حق برداشت^(۱۶) مخصوص تعیین کرده [۸]، و در خصوص حداقل ساکت است. اما کنوانسیون ۱۹۶۳ وین حداقل مسئولیت بهره‌بردار را ۵ میلیون دلار آمریکا تعیین، و حداکثر آن را به دولت محل تأسیسات واگذار کرده است که بر این اساس دولت محل تأسیسات می‌تواند مسئولیت بهره‌بردار را نامحدود مقرر کند [۹]. پروتکل ۲۰۰۴ اصلاح کنوانسیون پاریس سقف یا حداکثر میزان مسئولیت بهره‌بردار را که ۱۵ میلیون حق برداشت مخصوص بود حذف، و ۷۰۰ میلیون یورو را به عنوان حداقل مسئولیت برای هر حادثه هسته‌ای تعیین کرد. بنابراین، با این اصلاح، زمینه‌ی نامحدود تعیین شدن مسئولیت بهره‌بردار در کشورهای عضو کنوانسیون پاریس، همانند کنوانسیون وین فراهم شد [۱۰]. اما در پروتکل اصلاح کنوانسیون وین، حداقل مسئولیت بهره‌بردار ۳۰۰ میلیون حق برداشت مخصوص برای هر حادثه تعیین، و به دولت محل تأسیسات اجازه داده شد که این



کنوانسیون تأمین غرامت کافی و عادلانه برای زیان‌دیدگان ناشی از حوادث هسته‌ای در جریان تولید و بهره‌برداری از انرژی هسته‌ای برای اهداف صلح‌آمیز است [۱۶].

کنوانسیون ۱۹۶۳ وین نیز مقررات مشابهی پیش‌بینی کرده است، با این توضیح که عبارت تأسیسات هسته‌ای را مطلقاً به کار برده است، اما در مقدمه‌ی کنوانسیون تصریح کرده است که هدف کنوانسیون ایجاد برخی استانداردهای حداقل برای حمایت مالی در قبال خسارات ناشی از کاربردهای صلح‌آمیز انرژی هسته‌ای است [۱۷].

نظر برخی از مفسران کنوانسیون‌های مذکور این بود که از عبارات و مقررات کنوانسیون‌های ۱۹۶۰ پاریس و ۱۹۶۳ وین، نمی‌توان استنباط کرد که این کنوانسیون‌ها صرفاً در مورد تأسیسات هسته‌ای صلح‌آمیز قابلیت اعمال دارند. اما در سال ۱۹۹۷ پروتکل اصلاحی کنوانسیون وین به این ابهامات پایان داده و صریحاً اعلام کرد که کنوانسیون وین نسبت به تأسیسات هسته‌ای غیرصلح‌آمیز شمول پیدا نمی‌کند [۱۸]. این صراحت‌گویی در کنوانسیون ۱۹۹۷ راجع به جبران تکمیلی خسارت هسته‌ای نیز تکرار شد و در بند ۳ ماده‌ی ۲ آن اشعار شد که کنوانسیون منحصرأ نسبت به «خسارت هسته‌ای که بهره‌بردار تأسیسات هسته‌ای با اهداف صلح‌آمیز واقع در سرزمین یک دولت متعاقد در قبال آن مسئول است، اعمال می‌شود» [۱۹].

۳. وضعیت بیمه‌ی مسئولیت بهره‌بردار تأسیسات هسته‌ای در کنوانسیون‌های مسئولیت مدنی هسته‌ای

در کنوانسیون‌های فوق‌الذکر، بیمه مسئولیت بهره‌بردار تأسیسات هسته‌ای از نوع اجباری است و مقررات آن راجع به اصل این اجبار قابل تحفظ از سوی دولت‌های پذیرنده نیست. هم‌چنین قوانین ملی این دولت‌ها نمی‌توانند مقرراتی برخلاف آن پیش‌بینی کنند. به بررسی تفصیلی این دو موضوع می‌پردازیم.

۱.۳ اجباری بودن بیمه

به لحاظ ماهیت، بیمه‌ی مسئولیت یک نوع عقد است و اصولاً انعقاد هر عقد تابع اراده‌ی آزاد طرفین آن است. به عبارت دیگر، اصولاً اشخاص را نمی‌توان به انعقاد عقد بیمه الزام یا اجبار کرد و اگر چنین اجباری انجام پذیرد، مبانی صحت چنین عقدی

و آسیب شخصی به ۳۰ سال افزایش دادند. فلسفه‌ی وجودی محدودیت زمانی برای اقامه‌ی دعاوی خسارت هسته‌ای ناشی از این ضرورت بوده است که از دل‌سردی و نگرانی اشخاص درگیر در فعالیت‌های هسته‌ای پیشگیری کرده یا بکاهد. در زمان تدوین کنوانسیون‌های مذکور، این ضرورت احساس شد که بهره‌برداران و تأمین‌کنندگان مالی مسئولیت آنها نباید به حفظ تعهدات نامحدود یا بسیار بلند مدتی ملزم شوند. هم‌چنین، این اعتقاد وجود داشت که مقرر کردن مدت زمان نامحدود یا خیلی طولانی برای اقامه‌ی دعاوی خسارت نفع چندانی برای خود زیان‌دیدگان نیز ندارد. زیرا اقامه‌ی دعاوی با تأخیر می‌تواند به دلیل تأخیر اوضاع و احوال با مشکل مواجه شود و جریان جبران خسارت قابل اثبات را گنبد نماید [۱۴]. بنابراین، نهایتاً تصمیم گرفته شد که مسئولیت زمانی بهره‌بردار تأسیسات هسته‌ای و زمان اقامه‌ی دعوی علیه او محدود شود.

نهایتاً، مسئولیت بهره‌بردار تأسیسات هسته‌ای در قبال نوع خسارات وارد شده نیز محدودیت‌هایی دارد. به این مفهوم که مسئولیت او جبران تمامی خسارات ناشی از حادثه‌ی هسته‌ای نیست، بلکه خسارات معینی است که در کنوانسیون‌ها پیش‌بینی شده است. کنوانسیون‌های پاریس ۱۹۶۰ و وین ۱۹۶۳ صرفاً جبران خسارات وارد شده به اشخاص (خسارت فوت^(۱۷)) یا آسیب جسمانی^(۱۸) و خسارت اموال (تلف کامل مال^(۱۹)) یا خسارت به آن^(۲۰) را از مسئولیت‌های بهره‌بردار قلمداد می‌کنند و خسارت به خود تأسیسات یا اموال واقع در آن که در ارتباط با آن تأسیسات استفاده می‌شود و نیز خسارت به وسایل حمل و نقل که در زمان حادثه‌ی هسته‌ای قرار داشته را شامل نمی‌شود. در خصوص سایر خسارات، بهره‌بردار در صورتی مسئولیت جبران آنها خواهد بود که قانون دولت محل تأسیسات آن را پیش‌بینی نکرده باشد [۱۵].

سوالی که در این قسمت می‌تواند مطرح شود این است که آیا کنوانسیون‌های فوق‌الذکر، خسارات ناشی از حوادث هسته‌ای در هر دو دسته از تأسیسات نظامی یا غیرنظامی را شامل می‌شوند؟ کنوانسیون ۱۹۶۰ پاریس و اصلاحات آن تعریف تأسیسات هسته‌ای را به طور مطلقاً به کار برده است که ظهور این اطلاق، هر دو تأسیسات نظامی و غیرنظامی را شامل می‌شود. با وجود این، مقدمه‌ی کنوانسیون تصریح کرده است که هدف



هسته‌ای و اطلاع آن به مقام ذی‌صلاح است و تا زمانی که به این تعهد خود عمل نکرده است، مجوز بهره‌برداری یا حمل ماده‌ی هسته‌ای به او اعطا نخواهد شد. همچنین، چنانچه مقام ذی‌صلاح (در زمینه‌ی ایمنی هسته‌ای) در جریان بازرسی پی به بهره‌برداری از تأسیسات هسته‌ای بدون وجود بیمه یا تضمین مالی مسئولیت بهره‌بردار شود، فعالیت آن تأسیسات را به طور موقت و تا زمان تأمین بیمه متوقف خواهد کرد.

همین‌طور، چنانچه بهره‌بردار بیمه‌ی مسئولیت را فراهم نیاورد و یا آن را به مقام ذی‌صلاح اطلاع ندهد حسب مورد به مجازات از ۱۲۵ تا ۷۵۰ یورو محکوم خواهد شد [۲۴]. در قانون اتریش نیز برای بهره‌بردارانی که اقدام به فراهم آوری بیمه یا سایر تضمین‌های مالی به میزان مسئولیت خود نشده است مجازات نقدی تا ۳۶ هزار یورو پیش‌بینی شده است، و در صورتی که چنین اقدامی جرم نیز قلمداد شود در دادگاه‌های کیفری به آن رسیدگی خواهد شد [۲۵]. نهایتاً در خصوص فقدان بیمه‌ی مسئولیت بهره‌بردار تأسیسات هسته‌ای، قانون فرانسه اشعار داشته است که در چنین مواردی بهره‌بردار به جزای نقدی ۱۰۰ هزار تا ۱ میلیون فرانک یا مجازات از ۶ ماه تا ۵ سال محکوم خواهد شد [۲۶].

اما صرف نظر از این مجازات، سؤال دیگری که در این خصوص می‌تواند مطرح شود این است که، در مواردی که بهره‌بردار فاقد بیمه یا سایر تضمین‌های مالی برای پوشش مسئولیت باشد و حادثه‌ی هسته‌ای رخ دهد و خسارتی وارد شود، خسارت واردشده چگونه جبران خواهد شد؟ در چنین مواردی چه شخصی (بهره‌بردار یا دولت محل تأسیسات) باید مسئولیت پرداخت غرامت را بر عهده بگیرد؟ بر اساس اصول کلی حقوق، در چنین مواردی اصولاً بهره‌بردار به عنوان مسبب و مسئول حادثه موجب زیان باید خسارات وارده را جبران کند، اما ظاهراً مقررات کنوانسیون‌های مذکور، ساز و کار متفاوتی پیش‌بینی کرده‌اند و در مواردی که بهره‌بردار تأسیسات هسته‌ای نمی‌تواند از عهده‌ی جبران خسارت به نحو جزئی یا کلی برآید، دولت محل تأسیسات را به پرداخت غرامت وارد شده به میزان مسئولیت بهره‌بردار ملزم کرده است [۲۷]. بنابراین در مواردی که بهره‌بردار به فراهم آوردن بیمه ملزم نشده باشد، دولت محل تأسیسات از طریق ایجاد صندوق دولتی خسارات وارد شده را تا

می‌تواند با اشکال مواجه شود. اما با وجود این اصل کلی، قانون‌گذار در مواردی حسب ضروریات و اقتضائات اجتماعی از اصل فوق عدول، و اشخاصی را به انعقاد عقد بیمه در زمینه‌ی خاصی الزام می‌کند. بیمه‌ی مسئولیت بهره‌بردار تأسیسات هسته‌ای از جمله چنین بیمه‌هایی است که اجباری بودن آن، علاوه بر قوانین ملی، در اسناد بین‌المللی الزام‌آور نیز پیش‌بینی شده است.

کنوانسیون‌های ۱۹۶۰ پاریس [۲۰]، ۱۹۶۲ بروکسل [۲۱]، ۱۹۶۳ وین [۲۲] و ۱۹۹۷ جبران تکمیلی خسارت هسته‌ای [۲۳] بر اجباری بودن چنین بیمه‌ای صراحتاً تأکید کرده و اشعار داشته‌اند که بهره‌بردار تأسیسات هسته‌ای ملزم به فراهم آوردن بیمه یا سایر تضمین‌های مالی^(۲۱) برای پوشش مسئولیت خود به میزان، شکل و شرایط مقرر شده توسط دولت محل تأسیسات است. حمایت از زیان‌دیدگان احتمالی ناشی از حوادث هسته‌ای و تسهیل و تسریع پرداخت غرامت آن‌ها و همچنین توانمندسازی بهره‌بردار تأسیسات هسته‌ای در پرداخت غرامت به زیان‌دیدگان از طریق ساز و کار بیمه‌ای، اقتضائات و ضرورت‌های اصلی اجباری کردن بیمه‌ی مسئولیت بهره‌بردار تأسیسات هسته‌ای در سطوح ملی و بین‌المللی بوده است [۲۴]. گستره‌ی خسارات احتمالی ناشی از حوادث هسته‌ای می‌تواند به حدی وسیع و شدید باشد که جبران آن به وسیله‌ی بهره‌بردار ناممکن شده یا مشکلات مالی جدی و اساسی، از جمله ورشکستگی، برای او در پی داشته باشد. نهاد بیمه‌ی اجباری مسئولیت بهره‌بردار تأسیسات هسته‌ای با هدف پیشگیری از چنین مشکلات مالی برای صنعت و فعالیت‌های هسته‌ای و بهره‌بردار تأسیسات هسته‌ای ابداع و پیش‌بینی شده است.

مطابق کنوانسیون‌های مذکور، دولت‌ها متعهد به الزام بهره‌بردار تأسیسات هسته‌ای به انجام بیمه‌ی مسئولیت خود یا فراهم آوردن تضمین مالی بر آن شده‌اند. کنوانسیون‌های یاد شده ضمانت اجرای الزام بهره‌بردار را پیش‌بینی نکرده‌اند و علی‌الظاهر سازوکار آن را به دولت‌های عضو (دولت محل تأسیسات) واگذار کرده‌اند. در این خصوص قوانین ملی دولت‌های عضو دو نوع ضمانت اجرای اداری (منع بهره‌برداری از تأسیسات هسته‌ای) و جزایی پیش‌بینی کرده‌اند. مطابق قانون دولت اسلونی، بهره‌بردار ملزم به تأمین بیمه یا سایر تضمین‌های مالی برای پوشش مسئولیت خود قبل از بهره‌برداری از تأسیسات هسته‌ای یا حمل ماده‌ی



دولت فلیپین اظهار داشت که «یک دولت یا یکی از تقسیمات فرعی آن ممکن است از تأسیسات هسته‌ای را به طور مستقیم یا غیرمستقیم بهره‌برداری کنند. به عنوان مثال، ممکن است چنین واحد دولتی، در مواردی که تأسیسات به طور غیرمستقیم و از طریق یک شخص حقوقی مجزا (مستقل) متعلق به دولت یا تحت کنترل آن است، بهره‌برداری شود. متن فعلی بند ۲ ماده‌ی ۶ کنوانسیون مشخص نمی‌کند که آیا در چنین وضعیتی بهره‌برداران تأسیسات هسته‌ای که از طریق یک شخص حقوقی مستقل متعلق به دولت بوده یا تحت کنترل آن قرار می‌گیرند، از الزام به بیمه‌ی مسئولیت معاف هستند یا خیر. او معتقد است که بهره‌برداران چنین تأسیساتی ملزم به داشتن بیمه یا دیگر تضمین‌های مالی هستند [۳۰]». نماینده‌ی فلیپین با مبهم تلقی کردن متن مقررات کنوانسیون در خصوص شمول معافیت مفهوم تقسیمات فرعی دولت به شرکت‌های دولتی با شخصیت حقوقی مستقل، خواستار اصلاح آن مقررات و عدم تسری آن معافیت به چنین شرکت‌هایی می‌شود.

در مقابل، نماینده‌ی استرالیا اظهار کرد «تأسیساتی به طور کلی متعلق به نهاد دولتی است که شخصیت حقوقی مستقلی دارد و بهره‌برداری آن که تحت حمایت دولتی است، الزامی به حفظ بیمه یا داشتن دیگر تضمین‌های مالی ندارد [۳۱]». نماینده‌ی دولت اتریش نیز اظهار داشت که از پیشنهاد دولت فلیپین، حمایت نمی‌کند. [زیرا] در استرالیا شرکت‌های با مسئولیت محدود متعددی که بهره‌بردار هستند وجود دارند که ۵۱٪ سهام آنها متعلق به دولت است یا به وسیله‌ی دولت کنترل می‌شوند. اگر پیشنهاد اصلاحیه‌ی فلیپین تصویب شود، در آن صورت آن شرکت‌ها نیز باید به داشتن بیمه یا دیگر تضمین‌های مالی ملزم شوند [۳۲]».

در نهایت کنفرانس تدوین کنوانسیون وین نتوانست ابهام راجع به تسری مفهوم «تقسیمات فرعی» به شرکت‌های دولتی با شخصیت حقوقی مستقل پایان دهد. بنابراین باید منتظر زمان و رویه ماند تا ابهام موجود در عمل روشن شود. به موجب پروتکل اختیاری راجع به حل و فصل اجباری اختلافات [راجع به تفسیر یا اجرای مقررات کنوانسیون وین ۱۹۶۳] مرجع رسمی و معتبر تفسیر مقررات کنوانسیون دادگاه‌های داوری مورد توافق طرفین و یا دیوان بین‌المللی دادگستری است [۳۳].

سقف مسئولیت بهره‌بردار پرداخت خواهد کرد [۲۸]. تحمیل مسئولیت جبران خسارت بر دولت در مواردی که مسئولیت بهره‌بردار فاقد بیمه یا دیگر تضمین‌های مالی است، شاید از این منظر ناشی می‌شود که از نظر کنوانسیون‌های یاد شده این دولت‌های محل تأسیسات هستند که به ملزم کردن بهره‌بردار به بیمه‌ی مسئولیت خود متعهد شده‌اند و در مواقعی که چنین بیمه مسئولیتی در عمل محقق نمی‌شود، در واقع دولت‌های محل تأسیسات هستند که به تعهد خود عمل نکرده‌اند و باید مسئولیت عمل نکردن به تعهد خود را که پرداخت غرامت از جانب بهره‌بردار است متقبل شوند. این تفسیر با فلسفه‌ی وجودی و اهداف کنوانسیون‌های یاد شده که جبران سریع خسارت‌های وارده به زیان‌دیده‌ها است نیز سازگار به نظر می‌رسد، زیرا دولت‌ها به دلیل توان مالی بالا، سریع‌تر می‌توانند پرداخت غرامت کنند.

کنوانسیون‌های یاد شده در یک مورد بهره‌بردار تأسیسات هسته‌ای را از بیمه کردن مسئولیت خود معاف کرده‌اند. در مواردی که خود دولت متعاقد یا هر یک از تقسیمات فرعی قانونی^(۲۲) آن، از قبیل ایالت‌ها یا جمهوری آن، بهره‌بردار تأسیسات هسته‌ای محسوب می‌شود، لزومی به بیمه‌ی مسئولیت بهره‌بردار نیست. در چنین مواردی، دولت مربوطه به میزان مسئولیت بهره‌بردار مسئول جبران خسارات هسته‌ای احتمالی خواهد شد [۲۹].

کنوانسیون‌های یاد شده، مفهوم «تقسیمات فرعی» دولت را تعریف نکرده‌اند و صرفاً به بیان دو مصداق آن (ایالت و جمهوری) برای مثال پرداخته‌اند. بدیهی است که سایر تقسیمات کشوری رایج در دولت، مانند استانداری، کانتون، شهرستان، بخش‌داری، که جزئی از بدنه و ساختار دولت محسوب می‌شوند، مشمول مفهوم «تقسیمات فرعی» هستند و چنانچه یکی از این تقسیمات بهره‌بردار تأسیسات تعیین یا شناخته شده باشد الزام به بیمه‌ی مسئولیت منتفی خواهد شد. سؤالی که در این خصوص می‌تواند مطرح شود این است که آیا شرکت‌های دولتی نیز مشمول مفهوم «تقسیمات» فرعی می‌شوند؟ در زمان تدوین کنوانسیون وین ۱۹۶۳، دیدگاه‌های مختلفی در این خصوص مطرح شد که اشاره به آنها، به عنوان اسناد مذاکرات تدوین کنوانسیون، می‌تواند روشنگرانه باشد. در این خصوص، نماینده‌ی



بهره‌بردار تأسیسات هسته‌ای را در قوانین ملی خود پیش‌بینی کرده‌اند.

کنوانسیون‌ها راجع به مسئولیت مدنی هسته‌ای میزان، نوع و شرایط بیمه یا دیگر تضمین‌های مالی برای پوشش مسئولیت بهره‌بردار تأسیسات هسته‌ای را به نهادهای دولتی ذی‌صلاح کشور محل تأسیسات واگذار کرده‌اند. در این خصوص، به عنوان مثال، قانون دولت اتریش مقرر داشته است که حداقل بیمه‌ی مسئولیت بهره‌بردار تأسیسات هسته‌ای تولید برق (نیروگاه‌های هسته‌ای) ۴۰۶ میلیون یورو، و راکتورهای هسته‌ای تحقیقاتی ۴۰/۶ میلیون یورو برای هر حادثه است. قانون اتریش حاکم بر عقود مربوط به چنین بیمه‌نامه‌هایی خواهد بود و اعتبار این بیمه‌نامه تا ۱۰ سال پس از خاتمه‌ی فعالیت تأسیسات خواهد بود. بهره‌بردار بیمه مسئولیت خود را فقط از مؤسسات بیمه‌ای مجاز می‌تواند تهیه کند.

۳.۳ محدود بودن میزان بیمه‌ی مسئولیت بهره‌بردار

در مباحث پیشین توضیح داده شد که کنوانسیون‌های راجع به مسئولیت مدنی هسته‌ای، صرفاً حداقل میزان مسئولیت بهره‌بردار را مشخص کرده‌اند و دست دولت محل تأسیسات را در تعیین حداکثر مسئولیت یا مسئولیت نامحدود بهره‌بردار باز گذاشته‌اند. هم‌چنین، توضیح داده شد که با وجود عدم ممنوعیت تعیین مسئولیت نامحدود برای بهره‌بردار، تعداد محدودی از دولت‌های عضو این کنوانسیون‌ها (آلمان، ژاپن، سوئیس)، مسئولیت بهره‌بردار را نامحدود مقرر کرده‌اند. با توجه به الزامات مالی بیمه، این موضوع در خصوص بیمه یا دیگر تضمین‌های مالی نیز مطرح است. با این توضیح که حداقل و حداکثر بیمه‌ی مسئولیت بهره‌بردار چه میزان است و آیا امکان نامحدود تعیین نمودن چنین بیمه‌ای وجود دارد؟ در پاسخ به این سؤال باید متذکر شد که در این خصوص مقررات کنوانسیون‌های مربوط و اصلاحات آنها اندکی تفاوت دارند. در این مورد کنوانسیون ۱۹۶۳ وین ساکت است، اما پروتکل اصلاحی آن اشعار داشته است که «در مواردی که مسئولیت بهره‌بردار نامحدود است، دولت محل تأسیسات می‌تواند حدودی برای تضمین مالی بهره‌بردار مسئول تعیین کند، مشروط بر این که این حدود کمتر از ۳۰۰ میلیون حق برداشت مخصوص نباشد [۴۸]». هم‌چنین در مواردی که مسئولیت

۲.۳ تحفظ ناپذیری مقررات کنوانسیون‌های مسئولیت

مدنی هسته‌ای راجع به بیمه مسئولیت

کنوانسیون ۱۹۶۰ پاریس و اصلاحات آن، اعمال تحفظ نسبت به مقررات خود را در صورتی ممکن داشته است که مورد پذیرش سایر دولت‌های عضو آن واقع شود [۳۵]. اما کنوانسیون‌های ۱۹۶۳ وین و جبران تکمیلی در این خصوص سکوت اختیار کرده است و امکان اعمال حق شرط نسبت به مقررات خود را به قواعد عام حقوق بین‌الملل معاهدات ارجاع داده‌اند. بر اساس کنوانسیون ۱۹۶۹ راجع به حقوق معاهدات، در مواردی که معاهده یا کنوانسیونی در مورد اعمال حق شرط نسبت به مقررات خود ساکت است، اعمال شرط نسبت به مقررات چنین معاهده یا کنوانسیونی در صورتی مجاز است که با «موضوع و هدف» [۲۳] آن مغایر نباشد [۳۵]. بنابراین، هر چند که بر اساس مقررات کنوانسیون پاریس امکان اعمال تحفظ نسبت به مقررات آن راجع به بیمه‌ی اجباری مسئولیت بهره‌بردار تأسیسات هسته‌ای با موافقت سایر اعضا ممکن است، اما به نظر بعید می‌رسد که تمامی دولت‌های عضو کنوانسیون پاریس با اعمال حق شرط نسبت به مقررات خود راجع به بیمه‌ی اجباری مسئولیت بهره‌بردار، که هدف آن هماهنگی و یکنواخت‌سازی مقررات ملی دولت‌های عضو در این زمینه است موافقت کند. هم‌چنین، به نظر بعید می‌رسد که اعمال حق شرط نسبت به مقررات کنوانسیون‌های وین ۱۹۶۳ و ۱۹۹۷ جبران تکمیلی، بتواند با موضوع و هدف این کنوانسیون‌ها مطابقت داشته باشد [۳۶]. همان‌گونه که تاکنون نیز بیان شده است، تسهیل و تسریع جبران خسارت زیان‌دیدگان از جمله اهداف اصلی کنوانسیون‌های سال ۱۹۶۳ و ۱۹۹۷ محسوب می‌شود و بیمه‌ی اجباری مسئولیت بهره‌بردار تأسیسات هسته‌ای از ابزار مهم چنین تسهیل و تسریعی به شمار می‌آید. هم‌چنین، به نظر نمی‌آید که قوانین ملی کشورهای عضو کنوانسیون‌های مذکور نیز بتوانند اصل بیمه‌ی اجباری مسئولیت بهره‌بردار را نادیده بگیرد و در مقررات خود آن را پیش‌بینی نکنند. رویه‌های قانون‌گذاری کشورهای عضو نیز این ادعا را تأیید می‌کنند. فرانسه [۳۷]، آلمان [۳۸]، دانمارک [۳۹]، مجارستان [۴۰]، ایتالیا [۴۱]، ژاپن [۴۲]، کره جنوبی [۴۳]، مکزیک [۴۴]، نروژ [۴۵]، ترکیه [۴۶] و سوئد [۴۷] از جمله کشورهایی هستند که هماهنگی با کنوانسیون‌های مذکور، بیمه‌ی اجباری مسئولیت



تضمین‌ها را دارند و این اساس تفاوت و مقررات دو کنوانسیون راجع به این موضوع محسوب می‌شود. صرف نظر از این الزام و اختیار، عدم کفایت سرمایه‌ی شرکت‌های بیمه‌ای و مؤسسات مالی برای بیمه یا تضمین مالی نامحدود مسئولیت بهره‌بردار در قبال خسارات ناشی از حوادث هسته‌ای، در عمل موجب شده است که بیمه یا دیگر تضمین‌های مالی مسئولیت بهره‌بردار در کشورها محدود تعیین شوند. در آلمان، سوئیس، سوئد، اتریش، ژاپن و جمهوری کره، با وجود این که مسئولیت بهره‌بردار نامحدود تعیین شده است، بیمه یا دیگر تضمین‌های مالی این مسئولیت محدود مقرر شده‌اند [۵۱].

کنوانسیون‌ها راجع به مسئولیت مدنی هسته‌ای، تکلیف تأمین بیمه یا سایر تضمین‌های مالی برای پوشش مسئولیت را بر عهده‌ی بهره‌بردار قرار داده‌اند و دولت محل تأسیسات باید بهره‌بردار تأسیسات هسته‌ای را ملزم به تأمین چنین بیمه یا تضمین مالی کنند. شرکت‌ها و مؤسسات بیمه یا ارائه‌کننده‌ی تضمین مالی تکلیفی در این خصوص ندارند، هر چند که در عمل تدارکات و ساختارهای لازم را برای ارائه‌ی چنین بیمه‌هایی فراهم آوردند. با این حال، کنوانسیون‌های مذکور تصریح کرده‌اند که بیمه‌گر یا تضمین‌کننده‌ی مالی در صورتی می‌تواند به هر علتی بیمه‌نامه را تعلیق یا لغو کنند که حداقل از ۲ ماه قبل مراتب را به طور مکتوب به مقام دولتی ذی‌صلاح اطلاع دهند و در مواردی که ماده‌ی هسته‌ای در جریان حمل و نقل است، مادامی که حمل و نقل آن به پایان نرسیده باشد، امکان تعلیق یا لغو بیمه‌ی مسئولیت مربوطه به آن وجود ندارد [۵۲]. دولت‌های محل تأسیسات ملزم‌اند در قوانین و مقررات ملی خود چنین تکلیفی را برای مؤسسات بیمه یا تضمین‌کننده‌ی مالی پیش‌بینی و ضمانت اجرایی‌هایی نیز بر آن مقرر کنند.

۴.۳ امکان طرح دعوی مستقیم علیه بیمه‌گر یا تضمین‌کننده‌ی مالی

کنوانسیون‌ها راجع به مسئولیت مدنی هسته‌ای امکان طرح دعوی مستقیم زیان‌دیده علیه بیمه‌گر یا سایر تضمین‌کننده‌های مالی را در صورتی ممکن دانسته‌اند که قانون ملی کشورهای عضو آن را پیش‌بینی کرده باشد [۵۳].

بهره‌بردار نامحدود است، دولت محل تأسیسات «می‌تواند، با لحاظ نوع تأسیسات هسته‌ای یا دیگر مواد هسته‌ای مربوط و آثار احتمالی حادثه‌ی هسته‌ای ناشی از آنها، تضمین مالی بهره‌بردار را کمتر مقرر کند، مشروط بر این که کمتر از ۵ میلیون حق برداشت مخصوص نباشد و دولت محل تأسیسات را اطمینان حاصل کند پرداخت دعاوی غرامت برای خسارات هسته‌ای را که علیه بهره‌بردار مسلم شده‌اند، از طریق تشکیل صندوق لازم تا میزانی که بیمه یا دیگر تضمین‌های مالی برای جبران چنین خساراتی ناکافی هستند [۴۹].»

به طوری که پیداست، در موارد مسئولیت نامحدود بهره‌بردار، دولت محل تأسیسات از این اختیار برخوردار شده است که پوشش بیمه‌ای یا دیگر تضمین‌های مالی بهره‌بردار را تحت شرایطی بر حسب مورد تا ۳۰۰ یا ۵ میلیون حق برداشت مخصوص پایین آورده و محدود کند. این مقررات بر تعیین حداقل بیمه یا سایر تضمین‌های مالی پوشش مسئولیت بهره‌بردار (در مواردی که مسئولیت او نامحدود است) دلالت دارد و اشاره‌ای به محدود بودن بیمه یا سایر تضمین‌های مالی مسئولیت بهره‌بردار نمی‌کند. مقررات فوق‌الذکر پروتکل اصلاحی در خصوص سقف یا حداکثر بیمه یا تضمین‌های مالی تصریحی ندارد و تعیین آن را به اختیار و صلاحیت دولت محل تأسیسات واگذار می‌کند. کنوانسیون ۱۹۶۰ پاریس نیز، همانند کنوانسیون ۱۹۶۳، در خصوص حداقل و حداکثر بیمه‌ی مسئولیت بهره‌بردار ساکت است. اما پروتکل ۲۰۰۴ اصلاح آن، همانند پروتکل ۱۹۹۷، مقرر کرده است در مواردی که مسئولیت بهره‌بردار نامحدود است، طرف متعهده‌ی که در سرزمین آن تأسیسات هسته‌ای بهره‌بردار مسئول واقع شده است باید حدود تضمین مالی بهره‌بردار مسئول را تعیین کند. البته این حدود بر حسب مورد نمی‌تواند کمتر از ۷۰۰ تا ۸۰ یا ۷۰ میلیون یورو تعیین شود [۵۰]. همانند پروتکل ۱۹۹۷، پروتکل ۲۰۰۴ نیز در خصوص حداکثر تضمین‌های مالی ساکت است که البته این سکوت نمی‌تواند مجوز نامحدود شدن تضمین‌های مالی مسئولیت بهره‌بردار قلمداد شود. نتیجه این که، در موارد نامحدود بودن مسئولیت بهره‌بردار، بر اساس اصلاحیه‌ی کنوانسیون پاریس، دولت‌های عضو ملزم به محدود کردن تضمین‌های مالی مسئولیت است و بر اساس اصلاحیه‌ی کنوانسیون وین، دولت‌ها اختیار محدود کردن این



را پذیرفته‌اند که از جمله آنها می‌توان به قوانین، فرانسه [۵۸]، لهستان [۵۹]، اسلونی [۶۰] و اتریش [۶۱] اشاره کرد.

۴. بیمه‌ی مسئولیت بهره‌بردار تأسیسات هسته‌ای در نظام حقوقی ایران

با وجود این که کاربردهای صلح‌آمیز علوم و فناوری هسته‌ای در ایران قدمت چند دهه‌ای دارد و در حال حاضر مراکز و تأسیسات هسته‌ای متعددی در کشور در حال فعالیت هستند، اما تاکنون قانون خاصی در ایران راجع به مسئولیت مدنی هسته‌ای تدوین و تصویب نشده است. همین‌طور، با وجود این که از زمان انعقاد کنوانسیون وین راجع به مسئولیت مدنی در قبال خسارت هسته‌ای حدود ۵۴ سال سپری می‌شود، کشور ما به عضویت آن درنیامده است. بنابراین در شرایط کنونی، نظام حقوقی ایران فاقد قوانین یا مقررات خاص در خصوص مسئولیت بهره‌بردار تأسیسات هسته‌ای و بیمه‌ی مسئولیت او است. این در شرایطی است که ایران به ترتیب در سال ۱۳۴۸ و ۱۳۵۲ طی موافقت‌نامه‌ی فی‌مابین آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و دولت ایران و دولت ممالک متحده‌ی آمریکا برای اجرای اقدامات تأمینی [۶۲] و موافقت‌نامه‌ی ایران و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی راجع به پادمان مربوط به پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای [۶۳] پذیرفته بود که قوانین و مقررات خود راجع به مسئولیت و بیمه‌ی مسئولیت بهره‌بردار تأسیسات هسته‌ای را در خصوص کارکنان و بازرسان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی نیز اعمال کند. خلأ قوانین خاصی راجع به مسئولیت و بیمه‌ی مسئولیت بهره‌بردار تأسیسات هسته‌ای در ایران، در شرایطی است که قوانین و مقررات بیمه‌ای کشور نیز معیار و رویه‌ی «عدم تسری بیمه به خسارات هسته‌ای»^(۲۴) را اتخاذ کرده و جبران چنین خساراتی را از شمول تعهدات بیمه‌گر خارج ساخته است. قانون بیمه‌ی اجباری مسئولیت مدنی دارندگان وسایل موتوری زمینی در مقابل شخص ثالث معیار عدم تسری بیمه به خسارت هسته‌ای را صریحاً پیش‌بینی و اشعار داشته است که چنانچه بر اثر تصادم وسیله‌ی نقلیه‌ی موتوری، از مواد پرتوزا خسارتی به اشخاص ثالث وارد شود، بیمه‌ی الزامی به پرداخت خسارت در این زمینه ندارد [۶۴]. همین‌طور، آیین‌نامه‌ی شرایط عمومی بیمه‌نامه‌ی مسئولیت مدنی حرفه‌ای پزشکان مصوب ۱۳۷۷/۶/۲۶ شورای عالی بیمه مرکزی،

در زمان تدوین کنوانسیون وین ۱۹۶۳، نمایندگان برخی از دولت‌ها، (ایالات متحده آمریکا و فیلیپین) با اقامه‌ی دعوی مستقیم علیه بیمه‌گر مخالفت کردند و خواستار حذف مقررات پیش‌نویس کنوانسیون در آن زمینه شدند. استدلال کشورهای مخالف این بود که اولاً طرح دعوی مستقیم علیه شخصی به غیر از واردکننده‌ی زیان با اصول کلی حقوقی سازگار نیست و ثانیاً موجب پیچیده شدن مسئله‌ی صلاحیت در رسیدگی در دعاوی می‌شود [۵۴]. در مقابل نمایندگان برخی دیگر از دولت‌ها، از جمله آرژانتین، طرح دعوی مستقیم علیه بیمه‌گر را در راستای تأمین و تسریع غرامت زیان‌دیده قلمداد، و با آن موافقت کردند [۵۵]. در نهایت، توافق شد که کنوانسیون به طور مستقیم امکان دعوی مستقیم علیه بیمه‌گر را پیش‌بینی نکرده، و آن را به قوانین ملی دولت‌ها موکول کند. از این رو، در وضعیت فعلی، دعوی مستقیم علیه بیمه‌گر در صورتی ممکن می‌شود که قوانین ملی دولت‌ها آن را پیش‌بینی کرده باشند. کنوانسیون‌های مذکور، در خصوص قانون ملی که دعوی مستقیم علیه بیمه‌گر را پیش‌بینی می‌کنند، لفظ واحدی را به کار نبرده‌اند. کنوانسیون ۱۹۶۳ وین «قانون دادگاه صالح» را استفاده می‌کند و این در حالیست که کنوانسیون ۱۹۶۰ پاریس و کنوانسیون ۱۹۹۷ جبران تکمیلی «قانون ملی» را به کار برده‌اند [۵۶] که نسبت به «قانون دادگاه صالح» اعم است.

همان‌گونه که اشاره شد، اساساً، طرح دعوی مستقیم از طرف زیان‌دیده علیه بیمه‌گر با اصول کلی حقوقی (اصل نسبی بودن) سازگار نیست و نظام‌های حقوقی ملی نیز به آسانی با پذیرش آن در قوانین ملی موافقت نمی‌کردند. اما ضرورت حمایت از زیان‌دیده و تسهیل و تسریع جبران خسارات واردشده بر او موجب شد که قانون‌گذاران ملی به تدریج نهاد «طرح دعوی مستقیم زیان‌دیده علیه بیمه‌گر» را بپذیرند و در قوانین خود پیش‌بینی می‌کنند. دیوان عالی کشور فرانسه نخستین بار در طی سال ۱۹۲۶ خود دعوی مستقیم زیان‌دیده علیه بیمه‌گر را قبول، و از اصطلاح دعوی مستقیم استفاده کرد. در انگلستان نیز امکان دعوی مستقیم زیان‌دیده علیه بیمه‌گر با تصویب قانون زیان‌دیده علیه بیمه‌گر در سال ۱۹۳۰ پذیرفته شد [۵۷]. در زمینه‌ی خسارت هسته‌ای نیز، قوانین ملی کشورها طرح دعوی مستقیم علیه بیمه‌گر



در پاسخ باید متذکر شد که به نظر نمی‌آید که منع فقهی یا قانونی برای تصویب و اجرا کردن قوانین و مقرراتی راجع به بیمه‌ی اجباری مسئولیت بهره‌بردار تأسیسات هسته‌ای وجود داشته باشد. علیرغم برخی از فقهای اهل تسنن استدلال‌هایی را مبنی بر نامشروع بودن عقد بیمه آورده‌اند، اما بیشتر فقهای معاصر آن دلایل را رد کرده‌اند و به مشروعیت و صحت عقد بیمه رأی داده‌اند. قانون‌گذار ایران نیز با تصویب قانون بیمه در سال ۱۳۱۶ مشروعیت وضعیت عقد بیمه را تأیید، و احکام آنها را مقرر کرده است. بنابراین در وضعیت فعلی، بیمه‌ی اجباری مسئولیت بهره‌بردار تأسیسات هسته‌ای به عنوان یک قرارداد مغایرتی با الزامات فقهی و قانونی ایران پیدا نمی‌کند. الزام یا اجبار بهره‌بردار تأسیسات هسته‌ای به عقد بیمه یا فراهم آوردن دیگر تضمین‌های مالی برای پوشش مسئولیت خود نیز مغایرتی با کلیت اصل آزادی طرفین در انعقاد قراردادها ندارد و یکی از استثنائات آن محسوب می‌شود. در مواردی ضرورت‌های اجتماعی می‌تواند قانون‌گذار کشورها را به تصویب قوانینی که حقوق و آزادی‌های فردی را محدود می‌کند وادار کند. ضرورت تسهیل و تسریع جبران خسارات هسته‌ای وارد شده به زیان‌دیدگان و تسکین بخشی از آلام آنها و کاهش زیان‌های ناشی از کاربردهای صلح‌آمیز فناوری هسته‌ای، قانون‌گذار ملی کشورها و همچنین دولتمردان را در عرصه‌ی بین‌المللی به تصویب نهاد بیمه‌ی اجباری مسئولیت بهره‌بردار تأسیسات هسته‌ای وادار ساخته است و این نهاد از اقتضائات و لوازم مدیریت ایمنی فعالیت‌های هسته‌ای در کشورها و جهان محسوب می‌شود. در این زمینه نیز، به نظر نمی‌آید که نظام حقوقی ایران با اجبار بهره‌بردار تأسیسات هسته‌ای با بیمه‌ی مسئولیت خود مغایرتی داشته باشد و رویه‌ی قانون‌گذار ایران (تصویب قانون بیمه‌ی اجباری دارندگان وسایل نقلیه‌ی موتوری مصوب ۱۳۴۷ و اصلاحی ۱۳۸۷) این ادعا را تأیید می‌کند.

۵. نتیجه‌گیری

یکی از اهداف مهم بیمه، اساساً حمایت مالی از زیان‌دیدگان حوادث مختلف اجتماعی است و بیمه‌ی مسئولیت بهره‌بردار تأسیسات هسته‌ای نیز از این قاعده مستثنا نیست. قانون‌گذاران کشورها در قوانین ملی و دولتمردان و محافل بین‌المللی در اسناد

مقرر داشته است که بیمه‌گر در قبال جبران خساراتی که منشأ آن تشعشعات یونیزه‌کننده یا رادیواکتیو و انرژی هسته‌ای باشد، به غیر از مواردی که استفاده از آنها برای معالجه‌ی بیمار ضروری تشخیص داده شود، تعهدی نخواهد داشت [۶۵] و یا آیین‌نامه‌ی مربوطه به بیمه‌ی مسئولیت مدنی حرفه‌ای متصدیان حمل و نقل داخلی، مصوب ۱۳۷۸/۳/۱۷ شورای عالی بیمه‌ی مرکزی، تعهد بیمه‌گر به پرداخت بیمه در مواردی که زیان به ثالث منشأ هسته‌ای دارد را منتفی دانسته، و اشعار داشته است که بیمه‌گر نسبت به خساراتی که به طور مستقیم یا غیر مستقیم در نتیجه‌ی تشعشعات رادیواکتیو و فعل و انفعالات هسته‌ای به کالای مورد حمل وارد می‌شود، تعهدی ندارد [۶۶]. نهایتاً باید به آیین‌نامه‌ی شماره‌ی ۶۳ شورای عالی بیمه‌ی مرکزی راجع به شرایط عمومی بیمه مسئولیت مدنی در مقابل کارکنان و اشخاص ثالث برای شناورهای صیادی مصوب ۱۳۸۹ اشاره کرد که همانند سایر آیین‌نامه‌های مذکور مقرر داشته است که بیمه‌گر، تعهدی به جبران زیان به ثالث در مواردی که منشأ این زیان انفجارات اتمی و تشعشعات هسته‌ای است ندارد [۶۷].

عدم تسری بیمه به خسارات ناشی از حوادث هسته‌ای در قوانین و مقررات مربوط به بیمه، رویه‌ی خاص قانون‌گذار ایران نیست و قانون‌گذاران دیگر کشورها نیز آن را پذیرفته و اعمال کرده‌اند. کشورهای دیگری نیز هستند که قوانین و مقررات راجع به بیمه‌ی عمومی آنها، تسری بیمه به جبران خسارات ناشی از فعالیت‌های هسته‌ای و پرتوی را مستثنا کرده‌اند. در توجیه این موضوع استدلال شده است که جنس خسارات در هسته‌ای با سایر خسارات متفاوت است و بیمه‌ی آنها الزامات خاصی خود را می‌طلبد و قانون‌گذار کشورها باید ضوابط و ساز و کارهای آن را در یک قانون خاص پیش‌بینی و تصویب کند.

نهایتاً سوالی که مطرح می‌شود این است که آیا نهاد بیمه‌ی اجباری مسئولیت بهره‌بردار تأسیسات هسته‌ای با الزامات فقهی و قانونی نظام حقوقی ایران سازگاری دارد؟ به عبارت دیگر آیا منع فقهی و قانونی برای ورود و اجرای این نهاد از طریق الحاق کشور به کنوانسیون‌های مسئولیت مدنی هسته‌ای (کنوانسیون وین راجع به مسئولیت مدنی در قبال خسارت هسته‌ای و یا کنوانسیون جبران تکمیلی خسارت هسته‌ای) یا تدوین قانون خاص در این زمینه متصور است؟



با وجود قدمت نسبتاً زیاد فعالیت‌های هسته‌ای در کشور، قانون‌گذار ایران هنوز قانون خاصی راجع به مسئولیت مدنی بهره‌بردار تأسیسات هسته‌ای و بیمه‌ی اجباری مسئولیت او تصویب نکرده است. قوانین راجع به بیمه نیز خسارات ناشی از حوادث هسته‌ای را از شمول پوشش بیمه مستثنا کرده‌اند و بیمه‌گر را از جبران چنین خسارتی معاف داشته‌اند. این خلأ قانونی در ایران با افق صنعت هسته‌ای در کشور سازگاری ندارد و تصویب قانونی خاص راجع به مسئولیت بهره‌بردار و بیمه‌ی آن ضروری به نظر می‌رسد. پیش‌بینی نهاد بیمه‌ی اجباری مسئولیت بهره‌بردار تأسیسات هسته‌ای در چنین قانونی با الزامات فقهی و قانون کشور مغایرتی ندارد و تجارب قانون‌گذاری کشور در زمینه‌ی بیمه‌ی اجباری نیز این ادعا را تأیید می‌کند. سخن آخر این‌که، امروزه کنوانسیون‌ها راجع به مسئولیت مدنی هسته‌ای و بیمه‌ی مسئولیت بهره‌بردار تأسیسات هسته‌ای از ابزارهای اصلی ارتقاء نظام استفاده‌ی ایمن از فناوری هسته‌ای هستند و از لوازم همکاری بین‌المللی در زمینه‌ی توسعه و انتقال این فناوری به شمار می‌آیند. بی‌تردید چنانچه کشور در کنار توسعه‌ی ملی و خودجوش دانش و فناوری هسته‌ای، برنامه‌ای برای همکاری بین‌المللی هسته‌ای دارد، بررسی و ارزیابی الحاق به این کنوانسیون‌ها (کنوانسیون وین ۱۹۶۳ و اصلاحات آن و کنوانسیون جبران تکمیلی خسارت هسته‌ای) ضروری و اجتناب‌ناپذیر می‌نماید.

بین‌المللی، این نوع بیمه را با هدف حمایت از زیان‌دیدگان حوادث هسته‌ای و تسهیل و تسریع جبران خسارات وارد شده به آنها پیش‌بینی کرده‌اند و ساز و کاری برای اجرای آن به وجود آورده‌اند. بی‌تردید این قوانین و اسناد در حصول به هدف فوق، کاهش نگرانی‌های جهانی از خطرهای فناوری هسته‌ای و ارتقاء استفاده‌ی ایمنی از این فناوری نقش به‌سزایی را ایفاء کرده‌اند. لیکن، هنوز کاستی‌ها و نارسایی‌های دارند که ضروری است در آینده مرتفع شوند. قوانین ملی و کنوانسیون‌های مربوطه، هنوز برخی از خسارات (مانند خسارات اقتصادی ناشی از حوادث هسته‌ای را پوشش بیمه‌ای نمی‌کنند. همین‌طور میزان بیمه‌ای که برای جبران خسارات تخصیص پیدا کرده محدود است و کفایت جبران خسارات تمامی زیان‌دیدگان را به طور کامل نمی‌دهند. این به دلیل ماهیت خسارات هسته‌ای است که به دلیل وسعت بالقوه‌ی زیادی که دارند بهره‌برداران نمی‌توانند حق بیمه‌ی جبران تمامی آن خسارات را تأمین کنند. از طرف دیگر، شرکت‌های بیمه‌ای و مؤسسات تضمین مالی نیز به تنهایی سرمایه و توان مالی پوشش بیمه‌ای چنین خساراتی را ندارند و به طور مشخص به دلیل عدم کفایت سرمایه بود که شرکت‌های بیمه‌ای برای عقد قرارداد بیمه با بهره‌بردار تأسیسات هسته‌ای و پوشش بیمه‌ای مسئولیت او مجبور به ایجاد اتحادیه‌های بیمه در سطح مالی و بین‌المللی شدند.



- 1- Operator of Nuclear instalations
- 2- Nuclear exclusion clause
- 3- Price – Anderson
- 4- Nuclear insurance pools
- 5- Paris convention of third party liability in the field of nuclear energy
- 6- Organization for economic cooperation and development
- 7- Brussels supplementary convention
- 8- Convention on liability of nuclear ships
- 9- Vienna convention on civil liability for nuclear damage
- 10- Convention on supplementary compensation of nuclear damage
- 11- Strict, no fault liability
- 12- Armed conflict
- 13- Hostalities
- 14- Civil war
- 15- Insurrection
- 16- Special drawing right
- 17- Loss of life واحد پول صندوق بین‌المللی پول
- 18- Damoge10 person
- 19- Loss of property
- 20- Damage to property
- 21- Financial security
- 22- Constituent sub-divisions
- 23- Object and purpose
- 24- Nuclear exclusion clause

مراجع

- [1] Reitsma, Sebastiaan M.S and Tetley, Mark G., "Insurance of Nuclear risks" in international nuclear law: history, evolution and outlook, nuclear energy agency, OECD, 2010, P. 389.
- [2] Ott, O, korl, "Nuclear energy: A sensible alternative, springer science 8 business media, 2012, P. 376.
- [3] Jones, ricard, "price-anderson act", proceeding of international conference nuclear options in countries with small and medium electricity grids, IAEA, INIS, 2000, P, 699.
- [4] Rimsaite, Laura, "Nuclear insurance pools: Does the horizontal cooperation leads to the market foreclosure?" journal of business law and ethics, vol. 1 no. 1, decmber 2013, P. 19.
- [5] Swartz A. Julia, "International nuclear third party liability law: the response to Chernobyl", in international nuclear law in post Chernobyl period, OECD, Paris, 2006, P. 39.
- [6] Paris convention on third party liability in the field of nuclear energy, 1960, Art, 9; Vienna convention on civil liability for nuclear damage, 1963, Art, 4(3).
- [7] IAEA international (law series, no. 3 IAEA, Vienna, 2007, P. 10.
- [8] Paris convention on third penty liability in the field of nuclear liability, 1960, Art, 7(3).
- [9] Vienna convention on civil liability for nuclear damage, 1963, Art V (1).



- [10] Tetly, Mark, "Revised Paris and Vienna conventions: challenge for nuclear insurers, nuclear law bulletin, no 77, 2006, P. 28.
- [11] Lamm, Vanda, protocol amending the 1963 Vienna convention, in international nuclear law in the post Chernobyl period, OECD, Paris, 2006, P. 177.
- [12] Carlton, Stoiber et.al, "handbook on nuclear law", IAEA, Vienna, 2003, P.113.
- [13] Tetly, Mark, "revised Paris and Vienna nuclear liability conventions: challenge for nuclear insurers, nuclear law bulletin, no. 77, 2006, P. 29.
- [14] IAEA international law series, no. 3, IAEA, Vienna, 2007 P. 11.
- [15] Vienna convention, 1963, Art, 1 I (1) (K) (ii); protocol amending Vienna convention, 1997; Art, 2 (2 (K)); Paris protocol amending Paris convention, 2004, Art, I (B) (Viii) (3).
- [16] Paris convention on third party liability in the field of nuclear energy, 1960, preamble (3); Art, 1 (2).
- [17] Vienna convention on civil liability for nuclear damage, 1963, preamble, 1; Art, 1(J).
- [18] Protocol amending the Vienna convention on civil liability for nuclear damage, 1997, Art, Art 3, (13).
- [19] IAEA, international law series, no. 3, 2007, P.72.
- [20] Paris convention, 1960, article, 10(1).
- [21] Brussels convention on liability of operator of nuclear ships, 1962, Art ...
- [22] Vienna convention on civil liability for nuclear damage, 1963, Art, 3(1).
- [23] Convention on supplementary compensation of nuclear damage, article,
- [24] ACT on liability for nuclear damage, no 77, 2010, Arts, 8(1,3); 26(1); 27(1,3).
- [25] Federal ACT on civil liability for damage caused by radioactivity, 7 October, 1998, Art, 25, (1).
- [26] ACT no. 68-943 of 30th October 1968 on third party liability in the field of nuclear energy, as amended by ACT no 90-488 of 16 June 1990 Art, 18(1).
- [27] Vienna convention on civil liability for nuclear damage, 1963, Art VII (1).
- [28] International law series, IAEA, Vienna, 2007, P. 44.
- [29] Vienna convention on civil liability for nuclear damage, 1963, Art, VII (2); convention on supplementary compensation of nuclear damage annex, 1997, article 5(2).
- [30] IAEA legal series, no 2 IAEA, Vienna, 1964, P. 287.



- [31] IAEA legal series, no. 2 IAEA, Vienna 1964, P. 288.
- [32] IAEA legal series no. 2 IAEA, Vienna, 1964, P. 288
- [33] Optional protocol on compulsory settlement of dispute, Vienna, 1963, Art. 2.
- [34] Protocol amending Paris convention on third party liability in the field of nuclear energy, 2004, Art I, (R, a).
- [35] Vienna convention on law of treaties, 1969, Art, 19.
- [36] IAEA international law series no. 3, IAEA, Vienna, 2007 P. 7, footnote. 15 and P. 64, footnote 206.
- [37] Nuclear legislations in OECD countries/France, in www.oecd.nen.org, 2011, P. 38.
- [38] Nuclear legislation in OECD countries/Denmark, 2007, P. 11.
- [39] Nuclear legislations in OECD countries/Germany, 2011, P. 21.
- [40] Nuclear legislations in OECD countries/Hungary, 2008, P. 12.
- [41] Nuclear legislations in OECD countries/Italy, 2010, PP. 13-14.
- [42] Nuclear legislations in OECD countries/Japan, 2011, P. 12.
- [43] Nuclear legislations in OECD countries/Republic of Korea, 2009, P. 13.
- [44] Nuclear legislations in OECD countries/Mexico, 2009, P. 14.
- [45] Nuclear legislations in OECD countries, Norway, 2001, P. 15.
- [46] Nuclear legislations in OECD countries/Turkey, 2008, P. 6.
- [47] Nuclear legislations in OECD countries/Sweden, 2008, P. 13.
- [48] Protocol amending Vienna convention on civil liability for nuclear damage, 1997, Art, 9,(1).
- [49] Protocol amending Vienna convention on ... 1997, Art, 9(2).
- [50] Protocol amending Paris convention... 2004, Art, I, (1) (K).
- [51] Park, Ki Gad, "the convention on supplementary compensation for nuclear damage and Asian states; the advantage and disadvantage of Korean adherence to the convention, in reform of civil nuclear liability, international symposium, Budapest, Hungary, 31-May-3 June 1999, OECD 2000, P.209.
- [52] Vienna convention, on ... 1963, Art 7(2); Paris convention ... 1960, Art 10(2).



[53] Paris convention, 1960, Art 6(A); Vienna convention ... 1963, Art II(7); convention on supplementary compensation, ... 1997, anney, Art 3(9).

[54] IAEA legal series, no 2, IAEA, Vienna 1964, PP. 75, 292.

[55] IAEA legal series, no. 2, P. 75.

[56] IAEA international law series, no.3, IAEA, Vienna, 2007, P.90.

[۵۷] بابایی، ایرج «حقوق بیمه»، سمت، تهران، ۱۳۸۶، ص ۱۸۳-۱۸۲.

[58] ACT no 68-943 of 30th October 1968 on third party liability in the field of nuclear energy, D amendet by ACT no 90-488 of 16th June 1990, section, 14.

[59] Atomic energy ACT 29 November 2000, Art 104(1).

[60] ACT on liability for nuclear pamage no 77, 2010 Art, 12(1).

[61] Federal ACT on civil liability for damage couosed by radioactivity 7 October 1999, section, 24(1, 2).